

«شرق» تبعات اقدام تهران درمورد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بررسی می‌کند

حذف بازرسان و آینده مبهم مذاکرات

عبدالرحمن فتح‌اللهی: ۲۴ شهریور و به فاصله یک روز پس از صدور بیانیه مشترک تروئیکای اروپایی و ایالات متحده علیه برنامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نشست فصلی ماه سپتامبر شورای حکام بود که تهران در نامه‌ای به راه‌افانل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روادید هشت نفر از بازرسان این نهاد (آژانس) را لغو کرد.

صفحه ۲

سرمقاله

در خدمت و خیانت پوتستاس



احمد غلامی

ناکارآمدی نهاده‌ها و خودارجاعی آنان چیزی جز حکمرانی خودخواهانه نیست. یعنی نهاده‌ها و مراکزی که قدرت‌شان را از مردم گرفته‌اند بیش از آنکه در خدمت توده و بازتاب قدرت و مطالبات آنان باشند، سود (منفعت) حاصله از این قدرت را به خود ارجاع می‌دهند. درواقع به تعبیر شورشیان زاپاتیستا در چیپاس به‌جای مطیعانه فرمان‌دادن یا قدرت فرمانبردارانه عده‌ای فرمان صادر می‌کنند. آنزیکه دوسل، متفکر آرزانتینسی مکزیکی در کتاب «بیست‌تر درباره سیاست» که به‌تازگی در ایران ترجمه و منتشر شده است، این وضعیت را در قالب دو تعبیر به‌کار می‌بندد. او قدرت مردم یا اجتماع را «پوتنتیا» و نهادهای شکل‌گرفته از این قدرت را «پوتستاس» می‌نامد. اگر پوتنتیا قدرت در خود باشد، پوتستاس قدرت خارج از خود است، یعنی تجسدیافتن قدرت در شکل بیرونی آن. شاید مطیعانه فرمان‌دادن یعنی قدرت انقلابی که از مردم نشئت گرفته و به آنان بازمی‌گردد. در تجربه تاریخی ایرانیان در برهه‌های کوتاهی این شیوه از اعمال قدرت وجود داشته است. در جنبش مشروطه سیاسیون و روشنفکران به نمایندگی از مردم توانستند صدای آنان باشند، خاصه در مجلس اول که یکی از شاخص‌ترین مجالس تاریخ ایران است. در این مجلس نمایندگانی از همه اقشار وجود دارند که بازتاب‌دهنده قدرت مردم‌اند. در کنار این مجلس، انجمن‌های ایالتی و ولایتی، نقش مهمی در توزیع قدرت دارند. این انجمن‌ها نمی‌گذارند پوتستاس یعنی نهاد تجسدیافته از قدرت مردم در قالب دولت و مجلس از شیوه مطیعانه فرمان‌دادن به‌صورت فرمان‌گرایش پیدا کند. درواقع این انجمن‌ها با تمام نواقص‌شان تجسد قدرت مردم و اجتماع هستند که رفته‌رفته به‌وسیله کسانی که این وضعیت را تاب نمی‌آورند تضعیف شده و از بین می‌روند، چراکه همواره قدرت میل به خودارجاعی دارد. جنبش‌ها و انقلاب‌ها تا زمانی که خصیصه انقلابی دارند قدرت‌شان فرمانبردار بودن‌شان است، یعنی خاضعانه بر مردم حکومت‌کردن، همان مردمی که به آنان قدرت داده‌اند. درواقع نهاده‌ها چیزی نیستند جز بازتاب قدرت مردم در شمایل حکومت و دولت. آنچه حکومت و دولت را می‌سازد اراده عمومی است. اراده عمومی سیاست را می‌سازد و سیاست با تأیید و پذیرش افکار عمومی است که می‌تواند حیات یابد و در غیر این صورت همواره باید برای بقا بجنگد. تلاش برای بقا هم محدوده زمانی معینی دارد، چراکه هر قدرتی همواره با مقاومتی روبه‌روست و هر نفس برای صیانت از خود ناگزیر به مقاومت است. از سویی دیگر شقاق بین پوتنتیا و پوتستاس است که سیاست می‌سازد، اما توازن بین آنان ادامه سیاست را ممکن می‌کند. شاید اینک بتوان به این پرسش پاسخ داد که چرا مردم از انقلاب‌ها به شیوه قرن بیستم روی‌گردان شده‌اند. این روی‌گردانی را باید در عدم توازن بین این دو تعبیر پیدا کرد. آنزیکه دوسل درباره این تعبایر می‌گوید: «نهاده‌سازی ضروری قدرت اجتماع با مردم، همان چیزی را تشکیل می‌دهد که پوتستاس می‌نامیم. اجتماع نهاده‌یشده با آفرینش واسطه‌هایی که اعمال پوتستاس را ممکن می‌سازد، از اجتماع صرفاً تأمین‌نیافته جدا می‌شود. این امر، اشتقاق میان پوتنتیا و پوتستاس است؛ به عبارت دیگر، میان قدرت اجتماع سیاسی به‌عنوان امری محوری و اصلی و بنیادین (سطح هستی‌شناختی پنهان) و تمایز ناهمکن کارکردها از طریق نهادهایی که به قدرت اجازه می‌دهد واقعی و تجربی و امکان‌پذیر شود و به آن اجازه می‌دهد (به‌مثابه پدیدار) در میدان سیاسی ظاهر شود... اما هم‌زمان، خطر اعلا برای سیاست و دستگاه تمام بی‌عدالتی و سلطه را بازنمایی می‌کند. به یمن همین اشتقاق است که تمام خدمات سیاسی ممکن می‌شود، اما همین‌جا است که هرگونه فساد و بی‌عدالتی نیز مسیر کنترل‌ناپذیر خود را آغاز می‌کند... در نتیجه، هم عدالت و هم ضد آن با به درون تاریخ می‌گذارد. آثارشیرست رؤیای بهشت گمشده پوتنتیا و قدرت تمایزنیافته در خود (که در آن بی‌عدالتی غیرممکن است) در سر می‌پیروند و محافظه‌کار قدرت ثابت و کنترل‌شده پوتستاس را می‌ستاید و بر این اساس، قدرت نهادی را به‌مثابه سلطه اعمال می‌کند... سیاست، تاریخ دور و دراز استفاده صحیح یا ناصحیح از پوتستاس خواهد بود». اگر بخواهیم از این منظر به جنبش مشروطه بازگردیم، درخواهیم یافت که این جنبش پیش از برقراری پوتستاس یعنی نهادسازی‌های ضروری، همان چیزی که دولت رضاشاه را ساخت، اتفاق نیفاده بود. ثمره مشروطه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که ناهمگام یا به عرصه وجود گذاشت. شاید همین ناهمگامی بود که موجب شد خودکامگان دوران از قدرت بی‌واسطه مردم در هراس باشند و به بهانه هرج‌ومرج این تشکل‌های مردمی را تضعیف کرده و از کار بیندازند. شاید مقابله با انجمن‌های ایالتی و ولایتی از آنجا نشئت گرفته بود که به قول محمدرضا نیکفر، «مشروطه‌خواهان بیش از آنکه در اندیشه دموکراسی باشند رؤیای قانون داشتند». این پوتستاس نیست که قدرت را فرمانبردار می‌کند، بلکه تجلی قدرت بی‌واسطه مردم در تشکل‌های مردمی است که قدرت را عقلانی و مطیعانه می‌سازد. درواقع پوتستاس دو سویه دارد. یکی در خدمت مردم و دیگری عکس آن است. همه انقلاب‌ها درصددند بعد از پیروزی، قدرت بی‌واسطه مردم را مهار کرده و با باقیی حرارت سوزان آن را کنترل کنند. پوتستاس همان عایق است. اگر این روزها این باور به وجود آمده که دوره انقلاب‌های قرن بیستمی به سر آمده است، باید گفت با شکل و شمایل دیگری ظهور می‌یابد.



شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲ • ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۷ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۶۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: جلال رشیدی‌کوچی: ماجرای ممنوعیت گوشی آیفون از جنس داستان خودروهای وارداتی است، سهم ۳۰ درصدی ایران از کشتار پرندگان مهاجر در خاورمیانه، زنان پس از ۳۹۰ روز در آزادی برای تماشای لیگ

«شرق» در پرونده‌ای گره‌های حمل‌ونقل پایتخت در پاییز را بررسی کرد

بلای ترافیک

با آغاز سفرهای آموزشی ۳۰ درصد به ترافیک پایتخت افزوده شد

گزارش تیتربک را در صفحه ۶ بخوانید



مدرسه‌های پنهان امید

روایت آموزش زیرزمینی به‌دختران درافغانستان

نرگس محمدی

برنده جایزه نوبل صلح شد

یادداشت

بازی دوگانه در جنوب قفقاز



مصطفی نصیری

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، پس از بازگشت از سفر نخجوان که به دعوت همتای بادکوبه‌ای او صورت گرفته بود، در سخنان مبهمی گفت که: «ایروان اگر به دالان زنگه‌زور رضایت ندهد، این دالان از ایران خواهد گذشت و از قضا از ایران، پالس‌های مثبتی برای گذر این دالان از آن کشور می‌رسد». بدیهی است که خیلی از تحلیلگران این موضع‌گیری اردوغان را نوعی عقب‌نشینی از ادعای ایجاد دالان موسوم به زنگه‌زور از جنوب ارمنستان، با سلب حاکمیت ملی از آن کشور، حمل کرده و می‌کنند؛ اما به باور من، هنوز برای چنین تحلیلی از موضع‌گیری او که مست از باده پیروزی است، زود است. باید منتظر بمانیم و ببینیم که آیا ایران می‌تواند از انزوای خود کمی بکاهد یا حلقه انزوا را بر خود تنگ‌تر خواهد کرد. تا اینجا تردیدی نیست که خان‌های آنکارا و بادکوبه دریافته‌اند که اراده ایران برای ایستادن در برابر ایجاد هرگونه تقییری در ژئوپلیتیک تاریخی قفقاز جنوبی، یک لاف و تهدید بی‌پایه نبوده؛ بلکه جدی است و درباره عواقب هرگونه خیره‌سری دراین‌باره آگاه‌اند. این نکته را نیز بیفزایم که درنگ جدی و روشن این خان‌ها در چرخاندن فرمان ماشین جنگی‌شان به سمت استان سونیک ارمنستان، تنها ناشی از ارزیابی‌شان از اراده حکومت ایران نیست؛ بلکه بالاتر از آن، ناشی از دریافت حساسیت کامل ملت ایران در برابر هرگونه روندی است که تمامیت ارضی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران را نشانه رفته باشد. درواقع تحولات سیاسی پس از جنگ دوم قریه‌ه‌ه نشان داد که در جایی که پای تمامیت ارضی در میان است، دولت و مردم هم‌راستا هستند...

ادامه در صفحه ۵

برادر بزرگوار

جناب آقای دکتر سید فاضل زمانی

مصیبت درگذشت برادر گران‌قدرتان را تسلیت

می‌گوییم. از خدای مهربان برای آن مرحوم

آمرزش و رحمت و برای شما و سایر بازماندگان

محترم صبر و اجر مسئلت داریم.

سید علی تقوی، سید عبدالر سول تقوی

سید عباسی تقوی، مهدی رحمانیان

تلاش برای تبدیل فضای بزرگ‌ترین باغ علم نوجوان کشور به فروشگاه تجاری

کوچک‌سازی باغ علم به نفع دخل شهرداری

«شرق» وضعیت تولید و بازار صنایع خرد را بررسی می‌کند

صنایع کوچک در حاشیه

عطایی‌رفت ولی داورزنی دوباره کاندیدا ماند

عشق صندلی

یا عشق خدمت

والیبال ایران از تیمی که پیام‌آور شادی برای مردم ایران بود، تبدیل به زنگ تفریحی برای سایر رقبا در سطح جهانی شده است به طوری که در شرایط کنونی، گرفتن سهمیه بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس هم تقریباً امری محال به نظر می‌رسد. سقوط آزاد والیبال ایران درست از دو سال قبل و پس از تصمیم بحث‌برانگیز محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون، شروع شد؛ جایی که او بعد از قریب به ۱۱ سال تصمیم‌گرفت هدایت تیم ملی والیبال ایران را به یک مربی ایرانی بدهد. اگرچه در آن برهه رسانه‌ها نسبت به عواقب چنین تصمیمی به داورزنی هشدار دادند ولی آقای رئیس که تصور می‌کرد چرخ روزگار همیشه بر وفق مرادش خواهد چرخید، از آن تصمیم بیشترین حمایت را کرد تا بزرگ‌ترین سهم را در ناکامی این روزهای والیبال ایران داشته باشد. این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید

تهیه شده است، نه تغییر حتمی رفتار مخاطبان یا مناسبات مربوط. ۸- آنچه مهم است اینکه باید به نقش و سهم قانون در اصلاح حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و توجه کرد. توقف هر قانون، نیازمند در نظر داشتن ملاحظاتی است که در نظریه سنتی حاکمیت قانون، قابل تأمین و در دسترس نیست. نقش و سهم قانون در ساخت و یافت توسعه، ملازمه با کارآمدی استفاده از ابزار قانونی برای تحقق اهداف ملی دارد. با نگاهی به سویه‌های پیشین، باید در تدوین و تصویب قانون برنامه توسعه آتی (هفتم) بازنگری اساسی صورت گیرد. ۹- تصویب احکام پرتعداد، پرجمع و مشحون از عبارات کلی، مبهم و تکالیفی که در موارد بسیاری، غیرقابل اجراست، باری عظیم و در واقع اضافی برای نظام حقوقی محسوب می‌شود. باید به‌طور محتوایی و شکلی، در تدوین و تصویب قانون برنامه، بازنگری کلی انجام شود. اجرا نشدن مکرر قوانین برنامه توسعه اخیر، نادیده گرفته شدن مفاد آنها توسط دستگاه‌های اجرایی و در مجموع، برآورده نشدن اراده قانونگذار، نشانگر آسیب‌ها و نواقص جدی در قوانین مذکور و ضرورت بازاندیشی در این مسیر است. ۱۰- نتیجه‌گیری این پژهش حائز اهمیت برای سیاست‌گذار عمومی است که بدانند فقط با تدوین و تصویب یک حکم قانونی و الزام قوه مجریه به اجرای مجموعه‌ای از تکالیف، بدون هرگونه تدابیر هماهنگ‌کننده و تعامل با دیگر قوای حکومتی، نتایج دلخواه حاصل نخواهد شد. تلاش قانون‌گذارانه، باید به باورها و هنجارهای تابعان قانون نیز تسری یابد. اجرای اصلاحات مؤثر و کارآمد، به‌صرف نگارش یک حکم، سودایی برآورده‌شدنی است. به تعبیر نگارنده مقاله، سهم قانون، زمینه‌سازی و تسهیل فرایند اجراست، نه فرمانی که به محض ابلاغ، بتوان از برکات و ثمرات آن بهره‌مند شد. در واقع تصویب یک حکم قانونی، نه آغاز راه اجرا، بلکه دست‌کم نیمه راه فرایندی به شمار می‌رود که زمینه‌های اجرا برای طی ادامه مسیر مورد نظر سیاست‌گذار، مهیا شده است. امید که بازنگری بهنگام باشد.

شرق: درست ۴۱ سال پیش یکی از مجموعه‌های موفق تلویزیون ایران «محلہ برو بیا» به کارگردانی داریوش مودیبیان و نویسندگی بیژن بیرنگ روی آنتن رفت. مجموعه‌ای که در قالب نمایش، مفهوم قانون‌مدنی را آموزش می‌داد. نمایش‌هایی که اغلب بازنگارش در دو نقش یا بیشتر حضور داشتند. با همه اینها بعد از گذشت سال‌ها این محلہ و بازنگارش در ذهن همه بچه‌های دیروز حک شده‌اند.

«محلہ برو بیا» با بازنگرانی که نخستین قدم‌هایشان را در این مجموعه برداشتند ازبافتدنتی نیست و حالا این محلہ خلوت‌تر از همیشه شده است. رضا ژیان و فردوس کاویانی را از دست دادیم و به فاصله کوتاهی از فردوس کاویانی، آتیلا پسیانی روز گذشته ۱۴ مهرماه پس از تحمل یک دوره بیماری از دنیا رفت.

یادداشت

درنگی بر اجرایی‌شدن برنامه‌های توسعه



صالح نقره‌کار

وکیل دادگستری

۱- طرح برنامه هفتم توسعه در مجلس این ملاحظه را در ذهن ایجاد می‌کند که اساساً قانون و قانون‌نویسان، چه مأموریت و کارکردی برای دستیابی به توسعه دارند؟ از تصویب شش برنامه و یک سند چشم‌انداز و انبانی از سیاست کلی و جزئی و قانون موضوعه و متن آمره و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و کام دوم انقلاب و متون متراکم و متعدد دیگر، امروز ما ایرانیان کجای توسعه ایستاده‌ایم؟ با معیار و شاخص و حساب و کتاب تراز جهانی، وضعیت توسعه‌ای ایران چگونه است؟ آیا نظام تقنین کار خود را به‌درستی انجام داده است؟ ۲- این نکته مورد اتفاق ناقدین است که برنامه‌های توسعه، نتوانسته آن‌طور که سزاوارست، کشور را کامروا سازد و طرحی دیگر باید در انداخت. لذا به آسیب‌شناسی واقع‌بینانه موانع فراروی نیازمندیم. از رهگذر نگاه مسئله‌محور به چالش‌های توسعه در ایران، یک سرفصل ناظر بر «نظام حقوقی» است. تقنین شایسته توسعه‌گر در برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نمود می‌یابد. باورهای درست و واقعی و درک صحیح از منابع و امکانات و افق‌ها و ضرورت‌ها، همگی می‌تواند خمیرمایه یک قانونگذاری سزاورار را فراهم کند و چیدمان قانون به‌نحوی باشد که چرخ توسعه را به حرکت درآورد. ۳- پرسش قابل توجه در ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله این است که تا چه حد به این متن و قانون‌نویسی‌های بی در پی، جامه عمل پوشانده شده است؟ آیا صرف نگارش متون الزام‌آور تقنینی، آثار توسعه‌ای و تغییرات عینی رو به تحول و پیشرفت ایجاد می‌کند یا انبانی از قانون، چون نیم‌کردار ارزش ملموس ندارد. به‌نظر می‌رسد با سندرم تورم قانونی متوقف‌کننده و سردرگم‌ساز مواجه شده‌ایم. ۴- این سویه از قوانین توسعه‌محور، در یکی از مقالات شماره اخیر فصلنامه «مجلس» و راهبرد» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (شماره یکصدوپانزدهم، پاییز ۱۴۰۲) با عنوان «تأمیل از الزامات اجرای قانون با تأکید بر قوانین برنامه توسعه» به قلم دکتر